



نبرد سرنوشت؛

جنگ تاب آوری

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 **payamenehzat.ir**

 **@ paiamenehzat**

فهرست

۴	پیام اول	آمریکا پس از شکست در عرصه نظامی و سیاسی، جنگ را به عرصه تاب‌آوری اقتصادی کشانده است.
۵	پیام دوم	فشار تداوم محاصره بر دو طرف خواهد بود و میزان پایداری اجتماعی، برنده را تعیین می‌کند.
۶	پیام سوم	باوجود سی میلیون جانفدا عبور از شرایط پیش رو دشوار نیست.
۷	پیام چهارم	افزایش بی‌اساس قیمت‌ها ناشی از موج‌سواری سودگران است.
۸	پیام پنجم	کودتاچیان دی‌ماه مجدداً به دنبال ایجاد فشار مضاعف از طریق به‌هم‌ریختگی بازار هستند.
۹	پیام ششم	کنترل و مدیریت بازار در شرایط جنگ اقتصادی دشمن، ضرورت مضاعف پیدا می‌کند.
۱۰	پیام هفتم	آمریکا به دنبال گروگان گرفتن زندگی اقتصادی مردم با هدف تسلیم ایران است.
۱۱	پیام هشتم	برای جامعه جهانی، شرایط موجود در بلندمدت قابل تداوم نیست.
۱۲	پیام نهم	برخورد با اخلالگران اقتصادی توسط قوه قضائیه ابزار مهم حاکمیتی کنترل التهابات است.
۱۳	پیام دهم	مقامات کاخ سفید به وجود ارتباطات هدفمند با اخلالگران اقتصادی در داخل کشور اذعان دارند.
۱۴	پیام یازدهم	بخشی از رسالت خیابان، فریاد برای مقابله دولت و قوه قضائیه با اخلالگران اقتصادی است.
۱۵	پیام دوازدهم	شرایط اجتماعی فعلی بهترین فرصت برای تحولاتی در نظام اقتصادی کشور است.
۱۶	پیام سیزدهم	اخلال‌گران اقتصادی به دنبال تکمیل پروژه کودتای دی‌ماه هستند.
۱۷	پیام چهاردهم	جهاد مالی و پایداری اجتماعی؛ راهبرد عبور از جنگ اقتصادی و تجلی نصرت الهی.

آمریکا پس از شکست در عرصه نظامی و سیاسی، جنگ را به عرصه تاب آوری اقتصادی کشانده است.

آمریکا پس از ناتوانی در دستیابی به اهداف نظامی خود و شکست در نبرد نظامی، سعی کرد از طریق مذاکرات تقابل را از حوزه نظامی به حوزه سیاسی منتقل سازد و از این طریق، از ایران امتیاز بگیرد و بدین شکل، دستاوردهایی را برای خود خلق کند که در این حوزه نیز با مقاومت سرسختانه ایران مواجه شد و هیئت مذاکره کننده از موضعی بالاتر در مذاکرات حاضر شدند و اینها بودند که به دنبال امتیازگیری از آمریکا بودند؛ بنابراین آمریکا که حاضر نبود بیش از این تحقیر شود و در میز مذاکرات هم حاضر به امتیازدهی شود، دست به تغییر حوزه درگیری از نظامی و سیاسی به اقتصادی زد و محاصره

دریایی را کلید زد تا صادرات و واردات کشور از طریق دریا را مختل سازد و به صورت مستقیم اقتصاد کشور و معیشت جامعه را با بحران مواجه سازد. توجه به الگوی جنگی آمریکا نیز نشان می دهد که آمریکا در هدف قراردادن زیرساخت های کشور، بیش از آنکه به دنبال نابودی کورکورانه زیرساخت های کشور بوده باشد، به دنبال مختل کردن صنایع کشور و چرخه تولید در کشور بوده است تا اقتصاد کشور فلج شود و تاب آوری جامعه به پایان برسد؛ لذا اکنون دورانی را سپری می کنیم که دشمن تلاش می کند با فشار تصاعدی و فرسایشی، اقتصاد ایران را گروگان بگیرد و ملت را وادار به پرداخت امتیازاتی به منظور رفع محاصره و فشارهای اقتصادی گرداند. این واپسین تلاش هایی است که آمریکا با به کارگیری آخرین گزینه های دشمنی خود علیه ایران انجام می دهد و تاب آوری پولادین ایرانیان، متکی بر اعتماد ملی به ساختار جمهوری اسلامی و ایمان متعالی به امداد غیبی خداوند، سپری است در برابر حملات اقتصادی دشمن که سرانجام فاتحانه را برای ملت و کشور رقم خواهد زد.



فشار تداوم شرایط محاصره بر دو طرف خواهد بود و

میزان پایداری اجتماعی، برنده این معادله را تعیین

می‌کند.



برای نخستین بار در تاریخ تنش‌های اقتصادی میان ایران و آمریکا، معادله فشار یک‌طرفه شکسته شده است. تا پیش‌ازاین، تحریم به مثابه ابزاری یک‌سویه در اختیار واشنگتن بود، اما اکنون تهران با ایجاد اختلال در زنجیره تأمین انرژی و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی، بخشی از این بار

را به بدنه اقتصاد آمریکا بازگردانده است. آنچه رخ داده، ورود به مرحله‌ای فرسایشی از رویارویی است که در آن، تورم دیگر تنها مهمان ناخوانده سفره ایرانیان نیست؛ گزارش‌های رسمی در ایالات متحده نیز از جهش قیمت‌ها، به‌ویژه در حوزه انرژی و کالاهای پایه و کشاورزی، حکایت دارد. این تورم هم‌زمان، فشار را بر طبقات متوسط و کم‌درآمد در هر دو سوی آتلانتیک را بالا برده است. برای نخستین بار جامعه آمریکایی با هزینه رویارویی دولت آمریکا در میان هزینه‌های خانوار خود مواجه است و جامعه با این سؤال مواجه شده که چرا باید این هزینه را بپردازد و چرا آمریکا وارد این درگیری شده است؟ این سؤالات بنیادین ممکن است بر آستانه تحمل جامعه آمریکا مؤثر باشد.

فشار تداوم محاصره، ماهیتی دو لبه دارد و هر دو بازیگر را هم‌زمان دچار خسارت می‌کند. با این منطق، تداوم این وضعیت تا ابد ناممکن است؛ فیزیک اجتماعی و اقتصادی، تاب‌آوری نامحدود را برنمی‌تابد و این چرخه حتماً در مقطع مشخصی به نقطه اتمام خواهد رسید. اما پرسش قانونی، فهم متغیر تعیین‌کننده و شناسایی برنده این کارزار است؛ کدام طرف می‌تواند ساختار حیاتی خود را در برابر شوک‌های وارده منسجم‌تر نگه دارد؟

نتیجه این رویارویی فرسایشی، در گرو استقامت سیاسی در حفظ انسجام ملی و تاب‌آوری اقتصادی در مدیریت بحران معیشت نهفته است. طرفی که بتواند سرمایه اجتماعی خود را حفظ کند و روایت‌های سیاسی را به سپری در برابر ناآرامی‌های داخلی بدل سازد، شانس ماندگاری بیشتری خواهد داشت. در این نبرد، آستانه تحمل، تعیین‌کننده برنده نهایی است.

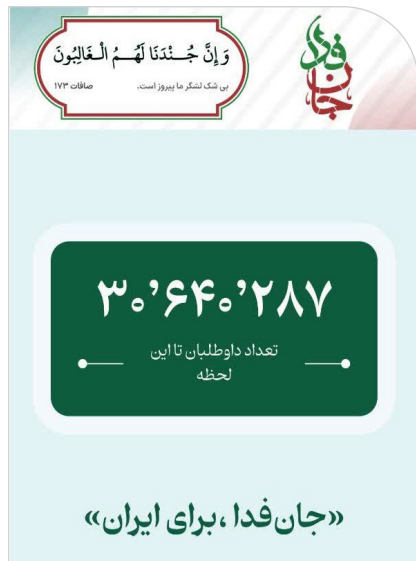
باوجود سی میلیون جانفدا عبور از شرایط پیش رو دشوار نیست.

در حال حاضر که کشور ما در دوره سکوت صحنه نظامی بعد از یک جنگ نسبتاً سخت قرار دارد و بخش‌هایی از پتروشیمی‌ها، صنایع مادر و... آسیب دیده‌اند، طبیعی است که جامعه با دشواری‌های مادی و اقتصادی مواجه شود. اما در همان لحظه‌ای که فشارها به اوج می‌رسد، ظرفیت انسانی و اراده جمعی مردم می‌تواند بزرگ‌ترین ذخیره ملی برای عبور از بحران باشد.

در این شرایط پویش «جان‌فدا» شکل گرفته است؛ حرکتی مردمی که بیش از سی میلیون نفر در آن اعلام آمادگی برای دفاع از کشور و همکاری در بازسازی و مدیریت شرایط جنگی و پساجنگ کرده‌اند. این عدد تنها یک آمار نیست، بلکه بیانگر ظرفیت عظیمی از آگاهی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

هر ایرانی که در این پویش ثبت‌نام کرده، می‌تواند حلقه‌ای از زنجیره مقاومت و بازیابی ملی باشد؛ از صرفه‌جویی در مصرف گرفته تا حضور داوطلبانه در روند بازسازی زیرساخت‌ها.

در شرایط فعلی سختی‌های ناشی از کمبودهای برخی کالاها و یا برخی گرانی‌ها وجود دارد اما ملت نیز بسیار مصمم و با اراده برای خروج از بحران‌هاست. هنگامی که سی میلیون نفر اراده کرده‌اند در کنار کشورشان بایستند، عبور از کمبودها و گرانی‌ها دیگر غیرممکن نیست؛ بلکه به یک مسیر همگانی تبدیل می‌شود. البته این نکته را نیز باید توجه داشت که هدایت و جهت‌دهی به اراده جدی مردم توسط مسئولین و ایجاد بستر مناسب برای به ثمر نشستن این اراده از وظایف مهم تصمیم‌گیران و مسئولین امر است.



افزایش بی اساس قیمت ها ناشی از موج سواری سوداگران است.



فروش	178,000	دلار فردایی تهران	9.5K 14.47
✓ معامله شد	177,000	دلار فردایی تهران	9.5K 14.46
خرید	176,000	دلار فردایی تهران	9.5K 14.47
فروش	177,000	دلار فردایی تهران	9.6K 14.47
خرید	176,000	دلار فردایی تهران	9.5K 14.46
فروش	177,000	دلار فردایی تهران	9.5K 14.46
✓ معامله شد	174,000	دلار نقدی تهران	9.6K 14.48

افزایش بی اساس اخیر قیمت ها در بازار طلا و دلار ایران، پدیده ای است که در بسیاری از مواقع بیش از آنکه ریشه در عوامل و متغیرهای واقعی اقتصادی داشته باشد، تحت تأثیر فضای روانی و رفتارهای سوداگرانه شکل می گیرد. سوداگران با سوءاستفاده از التهابات ایجاد شده ناشی از جنگ در کشور و همچنین شناخت نگرانی های مردم و حساسیت جامعه نسبت به ارزش پول و دارایی، تلاش می کنند بازار را از مسیر طبیعی خود خارج کرده تا به سود و منفعت خود دست پیدا کنند. در این فضای سوداگرانه، نقش مخرب دشمن و عملیات های رسانه ای و شناختی او بستر ساز اصلی این التهابات است.

یکی از مهم ترین ابزارهای این جریانات، شایعه سازی و انتشار اخبار غیرمعتبر است. دشمن با تلاش برای جوسازی و فضا سازی کاذب، به دنبال ایجاد زمینه های اخلال اقتصادی است. از توییت های تهدیدآمیز رئیس جمهور و وزارت خزانه داری آمریکا تا برنامه های شبکه های معاند خارجی، می توان یک آرایش رسانه ای و شناختی مستحکم برای ایجاد فضای روانی را مشاهده کرد. بخشی از مردم حتی تولیدکنندگان، تحت تأثیر این فضاها، دچار نگرانی شده و برای خرید عجولانه وارد بازار می شوند. این رفتار، تقاضای کاذب ایجاد می کند و زمینه را برای افزایش غیرمنطقی قیمت ها فراهم می سازد. روش دیگر سوداگران، قیمت سازی در کانال ها و شبکه های غیررسمی است. آنان با اعلام نرخ هایی بالاتر از واقعیت، ذهنیت عمومی را تحت تأثیر قرار می دهند و تلاش می کنند قیمت های ساختگی را به عنوان نرخ بازار جا بزنند. احتکار یا خودداری از عرضه نیز یکی دیگر از شیوه های آنان است. زیرا با کاهش مصنوعی عرضه، تصور کمبود در بازار شکل می گیرد.

همچنین معاملات صوری و هماهنگ شده می تواند ظاهری از رونق و رشد پایدار قیمت ها ایجاد کند، در حالی که واقعیت بازار چنین نیست؛ بنابراین، شناخت دقیق از کلان پروژه های دشمن، مقابله با دلالتی، اتکا به منابع رسمی، پرهیز از تصمیمات احساسی و حفظ آرامش روانی جامعه، مهم ترین راهکارها برای خنثی کردن موج سواری سوداگران در بازار طلا و دلار است. باید توجه داشت که ما در میانه یک جنگ تمام عیار با دشمن خبیث و ایادی آن در داخل قرار داریم که پس از شکست در جبهه نظامی و مواجهه شدن با مقاومت و بصیرت مثال زدنی مردم، سعی در شکستن این حصار محکم حمایت از کشور را دارد.

کودتاجیان دی‌ماد مجدداً به دنبال ایجاد فشار

مضاعف از طریق به هم ریختگی بازار هستند.

نقطه کانونی محاسبات دشمن در حمله پیشین و اخیرش به ایران استفاده از ظرفیت داخلی برای ایجاد هرج و مرج و اغتشاش داخلی است. گرچه بخشی از ایجاد هرج و مرج متکی بر نیروهای مزدور و هسته‌های ترور و تخریب است اما بخش اعظم آن استفاده از هرگونه فضای اعتراضی بوده تا اعتراض با موج‌سواری مزدوران و تروریست‌ها و منافقان و سلطنت‌طلبان به اغتشاش



بنیان‌برافکن کشیده شود. نمونه اعلای این تلاش در غائله دی‌ماه رخ داد. این طراحی چنان بود که رهبر شهید انقلاب از تعبیر کودتا برای نامیدن این جریان خرنده استفاده کرد.

اینک و در میانه سکوت نظامی میدان، طرحی در جریان است تا با استفاده از اهرم‌کردن هرگونه خلأ در بازار معاش و کالای مردم موجی از اعتراض و درنهایت بسترسازی برای بازگرداندن هسته‌های تروریستی فراهم نماید. نمونه‌هایی از این زمینه‌ها عبارت‌اند:

- افزایش غیرمنطقی نرخ برخی کالاها و درواقع چندنرخ شدن کالاها حسب سلیقه فروشندگان
- افزایش نرخ دلار با برخی بازگشایی‌ها
- افزایش قیمت ساختمان حتی در مناطقی که مورد هجوم دشمن هم بودند (این مسئله عجیب در خود زمان جریان آتش متقابل هم دیده شد)
- افزایش قیمت برخی کالاها اساسی به‌ویژه مرغ
- افزایش قیمت خودرو به بهانه مشکل فولاد و آهن
- حال آنکه اولاً کشور در شرائط جنگی است و نباید حتی قطع برخی زنجیره‌ها، منجر به فشل شدن بازار و ورود فشار بر مردم شود و دولت باید از همه راه‌ها از جمله واردات فعال هرگونه کمبود را جبران نماید. ثانیاً برخی از افزایش هزینه‌ها هم غیرمنطقی بوده، چنانچه علی‌رغم عرضه ورق فولادی به قیمت مناسب و باقی‌ماندن نیمی از آن (تقاضا کمتر از نیاز) افزایش قیمت خودرو انجام شده است. از این‌رو علاوه بر سوءمدیریت، نوعی ایجاد اختلال سریع در کار است تا زنجیره‌ای پیاپی از افزایش قیمت‌ها رخ دهد. این یک جریان کور و مبتنی بر سازوکار طبیعی اقتصاد نیست بلکه نوعی مداخله هدفمند با اغراض دشمنانه است؛ نوعی زمینه‌چینی کودتایی جدید.

کنترل و مدیریت بازار در شرایط جنگ اقتصادی دشمن، ضرورت مضاعف پیدامی کند.



در هیچ اقتصادی، رهاشدگی مطلق بازار وجود ندارد؛ البته اختلاف در میزان کنترل بازار بر اساس مدل اقتصاد و حتی سیاست های خاص هر کشور ولو با مدل واحد وجود دارد. حال در شرائط جنگی اهمیت مدیریت بازار دوچندان می شود زیرا در شرائط جنگی و مواجهه با دشمن، اولویت اول باید مقابله با

دشمن و عقب راندن و پشیمان کردنش باشد، چه در غیر این صورت نه دولتی، نه سیاستی و نه اقتصادی باقی خواهد ماند.

این اولویت و اهمیت مضاعف وقتی که دشمن راهبرد جنگ اقتصادی را پی می گیرد، چندین و چند برابر خواهد شد. زیرا وقتی دشمن مهاجم بر حیطه اقتصاد متمرکز شده، درواقع از آن به مثابه یک ابزار تهاجمی همانند یک اسلحه یا طراحی نظامی استفاده می کند و در این صورت، بی توجهی بدان، به معنای عدم انجام اقدام متناسب مقابل دشمن است. گویی نظامیان ما هیچ برنامه ای برای مقابله با طرح و نقشه مهاجمان نداشته باشند.

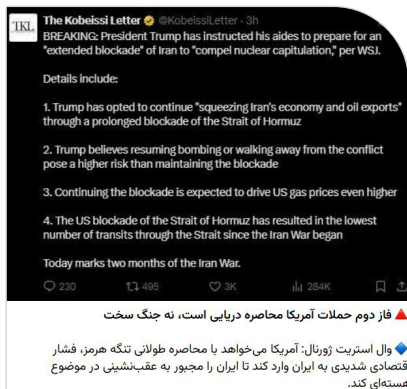
در سابقه تاریخی کشورهای سرمایه داری هم همین منطق دیده شده است. آمریکا در جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و جنگ کره علی رغم این که کشوری سرمایه داری است، با کنترل سقف قیمت طیف وسیعی از کالاها (مواد غذایی، سوخت، پوشاک و اجاره مسکن)، جیره بندی کالاها (شکر، گوشت، بنزین، لاستیک) و استفاده از کوپن های جیره بندی و نیز کنترل سود و هزینه تولید برخی صنایع، هم تورم را بسیار کنترل کرد و هم از پدید آمدن هرگونه بازار سیاه گسترده جلوگیری به عمل آورد.

حال در شرائط سکوت جنگی که دشمن به محاصره اقتصادی امید بسته است، صرف نظر از اینکه منشأ گرانی های و برخی تزلزل های بازار، دشمن است یا سوء مدیریت یا حتی برخی نتایج گریزناپذیر جنگ، باید نسبت به کنترل و مدیریت بازار اهتمام جدی رخ دهد. از این رو سپردن میدان اقتصاد به دشمن مانند اجازه تعیین تکلیف نرخ برابری دلار به کانال های تلگرامی مستقر در افغانستان و یا اجازه فعالیت آزاد اینترنتی سرمایه سالاران، رها کردن بازار خودرو و مسکن، عدم کنترل کافی بر شبکه توزیع و فروش، چیزی جز کمک به طرح هجومی دشمن نیست.

آمریکا به دنبال گروگان گرفتن زندگی اقتصادی مردم با هدف تسلیم ایران است.

پیش از آغاز درگیری نظامی اخیر، در دهه های گذشته آمریکا با تحریم های مرحله به مرحله و گسترده تلاش کرد تا ساختار اقتصادی ایران را فرسوده کند و از طریق ایجاد نارضایتی اجتماعی، هزینه های مقاومت سیاسی را افزایش دهد. در زمانی که فکر می کرد می تواند از طریق تهاجم، ضربه نهایی را بزند، تهاجم نظامی به عنوان گام بعدی انتخاب شد؛ اقدامی که انتظار می رفت با سرعت، معادله سیاسی را تغییر دهد. اما مقاومت کم نظیر ایرانیان و بسیج اجتماعی ناشی از تهدید وجودی جنگ، کلیه اهداف و برنامه های آمریکا را به هم ریخت و آمریکا به اهداف تعیین شده در میدان نبرد نرسید.

پس از آتش بس، آمریکا دوباره به منطق فشار اقتصادی برگشت، اما این بار در مقیاسی گسترده تر و هدفمندتر در تداوم زیرساخت های تحریمی قبلی و به همراه محاصره دریایی قصد فروپاشی اقتصادی مردم را دارد. آمریکا چون با ابزار نظامی نتوانست نتیجه نهایی را رقم بزند، اکنون می خواهد با ابزار اقتصاد خلأ شکست نظامی را جبران کند. آمریکا در مذاکرات پسا جنگ خواسته هایی را دنبال می کند که در میدان جنگ به آنها دست نیافت و می خواهد با فشار حداکثری اقتصادی و گروگان گرفتن اقتصاد و معیشت مردم می تواند، ایران را به پذیرش آنها وادار کند. در واقع دوباره معیشت مردم به اهرم فشار در عرصه سیاسی تبدیل شده است. به تصور آمریکا محدودیت تجاری، انسداد کانال های مالی، محاصره دریایی، هدف گیری صنایع کلیدی و ایجاد بی ثباتی در بازارهای حیاتی، و ... مجموعه ای از فشارها را به وجود می آورد که بر زندگی روزمره شهروندان اثر مستقیم می گذارد و این فشارها بر جامعه، به تدریج به فشار بر حاکمیت تبدیل می شود و در نهایت، مسئولین سیاسی و نظامی برای کاهش رنج اقتصادی مردم خود، امتیازاتی را خواهند داد که در میدان جنگ از دادن آن سر باز زده بود. در چنین وضعیتی، فهم سازوکار این نوع گروگان گیری اقتصادی برای جامعه بسیار اهمیت دارد. هرچه جامعه آگاه تر باشد و بتواند میان تبعات واقعی جنگ و سازوکارهای فشار بیرونی تمایز بگذارد، امکان موفقیت راهبرد فشار اقتصادی آمریکا برای تسلیم ایرانیان کمتر می شود و زمینه برای پیروزی نهایی آماده می شود.



برای جامعه جهانی، شرایط موجود در بلندمدت قابل تداوم نیست.



واقعیت انکارناپذیر در نظم کنونی ژئوپلیتیک، ورود جهان به یک حالت فوق العاده است. آنچه امروز در آب های خلیج فارس و تنگه هرمز جریان دارد، یک وضعیت عادی یا یک ریسک قابل مدیریت بلندمدت نیست. بسته بودن عملی این شریان حیاتی انرژی و استقرار آرایش محاصره دریایی، سازوکاری استثنائی و زمان مند است که صرفاً در بزنگاه های التهاب حاد ایجاد شده است. این ترتیبات، قواعد جاری اقتصاد سیاسی بین الملل را به حالت تعلیق درآورده و جهان را در آستانه یک شوک ساختاری قرار داده است.

ادامه این وضعیت برای جامعه جهانی، از حدود تاب آوری خارج است. زنجیره تأمین انرژی بخش گسترده ای از صنایع آسیا و اروپا با گلوگاهی مواجه شده که جایگزینی کامل آن حتی در بازه میان مدت نیز ممکن نیست. جهش

قیمت ها، فلج شدن مسیرهای کشتیرانی و افزایش سرسام آور هزینه های بیمه، در حال سرریز کردن تورم و کمبود به اقتصادهای جوامع مختلف است. این فشار هم زمان و چندلایه، یک بحران جهانی تمام عیار است که تحمل آن از مرز چند هفته یا حداکثر چند ماه فراتر نمی رود.

از همین منظر، جامعه جهانی و قدرت های بزرگ با یک دوگانه سرنوشت ساز و زمان دار روبرو هستند. این گره کور یا باید از طریق یک درگیری نظامی محدود اما پُرخطر گشوده شود که تبعات آن کل منطقه را به آشوب خواهد کشید؛ یا اینکه یک بازیگر اصلی از موضع تهاجمی خود عقب نشینی کند و مسیر دیپلماسی را بگشاید. شواهد میدانی و محاسبات هزینه-فایده نشان می دهد که طرف مستعد کوتاه آمدن، ایالات متحده خواهد بود. دلیل این پیش بینی، آسیب پذیری شدید ساختار انتخاباتی و بازار مصرفی آمریکا در برابر تورم لجام گسیخته ناشی از این بحران است. در مقابل، ساختار سیاسی ایران به دلیل پشتوانه انرژی ارزان و تجربه زیسته طولانی مدت در شرایط اضطراری، از آستانه تحمل بالاتری برخوردار است. پنجره تصمیم گیری اکنون گشوده شده و خیلی زود بسته خواهد شد.

برخورد با اخلا لگران و سوداگران و کودتاچیان اقتصادی توسط قوه قضائیه ابزار مهم حاکمیتی کنترل التهابات است.

جنگ تحمیلی سوم در پی کودتایی سر برآورد که عاملی اقتصادی سبب شعله ورشدن آتش آن شد. جامعه ایران اکنون نیز در امتداد همان شرایط کودتای اقتصادی قرار دارد و دشمن الگوی فشار ترکیبی و داخلی-خارجی خود را تغییر نداده است؛ لذا جهش نامتعارف قیمت ها طی روزهای اخیر از



حوزه ارز و طلا گرفته تا کالا و لوازم مختلف نشان می دهد که اخلا لگران و سوداگران نیز مجدداً در عرصه اقتصاد فعال شده اند و امنیت اقتصادی جامعه را در خطر قرار داده اند. اگرچه بخشی از گرانی ها برآمده از خسارات ناشی از جنگ و حتی محاصره دریایی آمریکا است، اما این واقعیت است که بخش مهمی از این وضعیت، برآمده از مدیریت مستقیم کودتاچیان اقتصادی است که با هدایت سوداگران، آنها را دانسته یا نادانسته وارد این نقشه کرده اند و از سودجویی های فردی و گروهی آنها در این شرایط، به منظور امنیت زدایی از کشور و آماده سازی مقدمات باج گیری در مذاکرات یا حمله مجدد آمریکا استفاده می کنند. لذا قوه قضائیه به عنوان نهاد ناظری که باید از تخلفات جلوگیری کرده و از حقوق عامه و جامعه پاسداری کند، موظف است با تشدید نظارت و برخورد سریع و قاطع با اخلا لگران، مانع از امنیت زدایی در کشور شود و سهم مقتدرانه خود را در حکمرانی اقتصادی ایفا کند و موجب کنترل پایداری اقتصادی کشور شود. پیوند شرایط اقتصادی با وضعیت امنیتی کشور امروز بیش از هر زمانی آشکار شده است، فلذا تمام قوای حکمرانی کشور باید در جهت حمایت از پایداری آن تلاش کنند.

مقامات امنیتی کاخ سفید به وجود ارتباطات هدفمند با اخلاک‌گران اقتصادی در داخل کشور اذعان دارند.

مسئولان آمریکایی در موارد متعددی، به‌طور صریح یا تلویحی از وجود بی‌ثباتی‌های اقتصادی در داخل کشور سخن گفته و حتی از برخی تحرکات اقتصادی و اختلالات بازار به‌عنوان عاملی مهم در موثر بودن فشارهای اقتصادی یاد کرده‌اند.

چنین اظهاراتی از چند جهت قابل توجه است: نخست آنکه نشان می‌دهد راهبرد فشار اقتصادی علیه کشور صرفاً به تحریم‌های رسمی و محدودیت‌های بیرونی محدود نشده، بلکه تحولات درون اقتصاد ایران نیز در محاسبات آنها وجود دارد. به بیان دیگر، مقامات آمریکایی در تحلیل‌های خود، تشدید اختلالات داخلی اقتصاد ایران را بخشی از طراحی فلج کردن اقتصاد ایران می‌دانند که می‌تواند اثرگذاری تحریم‌های بیرونی را تشدید کند.

در داخل نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که در برخی حوزه‌ها، رفتارهایی مشاهده می‌شود که به تشدید بی‌ثباتی اقتصادی دامن می‌زند؛ از التهاب‌های ناگهانی در بازارهای حساس گرفته تا اقداماتی مانند احتکار، کم فروشی، گران فروشی، ... که موجب افزایش نااطمینانی اقتصادی می‌شود. اگرچه این رفتارها می‌تواند ریشه‌های متعددی داشته باشد، اما هم‌زمانی آنها با تشدید فشارهای خارجی و همچنین بازتاب آن در اظهارات مقامات آمریکایی، نوعی هم‌پوشانی معنادار را در نگاه تحلیل‌گران ایجاد می‌کند.

هنگامی که فشارهای بیرونی با بی‌ثباتی‌های درونی هم‌زمان و به نوعی هماهنگ می‌شوند، و در سخنان مقامات آمریکایی نسبت به آنها اشاره و تصریح وجود دارد، اولاً اثر نهایی آن بر معیشت مردم چند برابر می‌شود و ثانیاً جامعه تحت اثر روایت‌سازی مقامات آمریکایی نسبت به حاکمیت و اقدامات آن بدبین و بی‌اعتماد می‌شوند و در آخر همین وضعیت می‌تواند به تحقق همان هدفی کمک کند که طراحان یا عاملان خارجی و داخلی فشار اقتصادی در پی آن هستند و نتیجه آن افزایش فشار اجتماعی برای واداشتن کشور به پذیرش مطالباتی است که در میدان جنگ به دست نیامده است. هرچند در گذشته نیز شواهد زیادی در پیوند میان فشارهای خارجی و اختلالات داخلی‌ها در بازارها مشاهده شده است، اما در وضعیت جنگ وجودی فعلی، مسامحه حاکمیت نسبت به این ارتباطات که به احتمال بالا پنهان و چند لایه است، پیامدهای اقتصادی و سیاسی جدی ای برای کشور و مردم می‌تواند با خود به همراه بیاورد.

بخشی از رسالت خیابان، فریاد برای مقابله دولت و قوه قضائیه با اخلالگران اقتصادی است.

سرمایه گسترده بعثت عمومی مردم در خیابان قابلیت چندگانه‌ای دارد. جدا از قابلیت حمایت این قدرت عظیم خیابانی از جنگ علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی، این قدرت امکان ایجاد تغییرات اساسی در پشتیبانی از تحولات راهبردی مورد نیاز این مقطع حساس انقلاب را نیز داراست. جنگ کنونی اقتصادی آمریکا علیه ایران نیازمند نقش آفرینی سوداگران و کودتاچیان اقتصادی در ایران است. جریانی که تأثیر



خود را در اغتشاشات دی ماه نیز نشان داد. به دلیل نفوذ این جریان در لایه‌های مختلف اداره اقتصادی، تجاری و صنعتی کشور امکان مواجهه با او چندان ساده نیست. دولت به دلایل متعددی ناچار از ملاحظات فراوان در مواجهه با قدرت این جریان است. گذشته از آنکه این دسته از سوداگران و کودتاچیان دارای شبکه نفوذ در داخل دولت و نهادهای مختلف تصمیم‌گیر و اداره‌کننده کشور نیز می‌باشند. نهادهای امنیتی و اقتصادی آمریکا همچون سازمان سیا و وزارت خزانه‌داری چشم امید به نقش آفرینی این عده بسته است. قدرت عظیم مردم در خیابان تنها امکان مابرای ایجاد مصونیت نسبت به این جریان برای آینده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است. در صورتی می‌توان در مقابل آمریکا ایستادگی کرد که از شر این دسته از سوداگران و کودتاچیان اقتصادی که ستون پنجم و عقبه دشمن آمریکایی‌اند خلاص شویم. فریادهای مردم در خیابان باید متوجه این جریان شود. مطالبه جدی برخورد با این دسته از اخلالگران اقتصادی مهم‌ترین سرمایه قوه قضائیه و دولت در مواجهه با این جریان است. از سویی جریان نفوذ نیز هنگامی که فریادهای مردم به شکل کاملاً علنی واضح و شفاف متوجه آن شود عملاً به حاشیه خواهد رفت و امکان نقش آفرینی پیدا نخواهند کرد. اگر این فریاد مطالبه بلند نشود چرخه فرسایشی گرانی نارضایتی عمومی شورش و سپس جنگ همچنان در ایران تکرار خواهد شد.

شرایط اجتماعی فعلی بهترین فرصت برای تحولاتی در نظام اقتصادی کشور است.

شرایط ملتهدب اقتصادی فعلی در کشور که تحت تأثیر جنگ، نااطمینانی‌ها و التهابات منطقه‌ای شکل گرفته، اگرچه با فشارها و دشواری‌هایی همراه است، اما می‌تواند به فرصتی مهم برای بازنگری و تحول در نظام اقتصادی کشور تبدیل شود. در چنین مقطعی، ادامه برخی مسیرهای قدیمی و سیاست‌های فرسوده، نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای جدید نیست، بلکه می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش دهد. زیرا دشمن با شناخت دقیق این سازوکارها، برنامه‌های متنوع اخلال و التهاب‌آفرینی را طراحی کرده است؛ بنابراین، اقدامات تحولی و بدیع می‌تواند ابتکار عمل را از دست دشمن خارج کرده و فرصت‌های جدید برای ما ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها، ایجاد مسیرهای جایگزین و متنوع برای تأمین ارز و کالا است. وابستگی به مسیرهای محدود و سنتی، اقتصاد را در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. توسعه مرادوات جدید، استفاده از ظرفیت کشورهای همسو و گسترش همکاری‌های اقتصادی با شرکایی مانند چین و روسیه می‌تواند بخشی از این مسیر جایگزین باشد. در کنار آن، باید ظرفیت‌های بالقوه داخلی فعال شود. از مرزهای متنوع کشور و توان تجارت منطقه‌ای گرفته تا دانش‌های بومی، تولید داخلی و ظرفیت‌های مردمی. بسیاری از طرح‌های تحولی در حوزه‌های متنوع که سال‌ها معطل مانده‌اند، در این بستر می‌توانند فرصت اجرا و پیاده‌سازی پیدا کنند.

فضای ملتهدب و جنگی از این جهت می‌تواند به بهترین فرصت برای تحول اقتصادی تبدیل شود که در چنین شرایطی، ضرورت تغییر برای جامعه، مدیران و فعالان اقتصادی ملموس‌تر می‌شود و مقاومت در برابر اصلاحات کاهش می‌یابد. در وضعیت عادی، بسیاری از سیاست‌های ناکارآمد، مسیرهای فرسوده، انحصارها و طرح‌های معطل به دلیل محافظه‌کاری یا ترس از ریسک ادامه پیدا می‌کنند، اما هنگام بحران، هزینه ادامه وضع موجود آشکارتر می‌شود و امکان تصمیم‌گیری‌های بزرگ، سریع و ساختارشکنانه فراهم می‌گردد. بنا به قول سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرصت‌هایی در دل بحران‌هاست که در زمان عادی وجود ندارد.

البته اجرای طرح‌های تحولی معمولاً با ریسک همراه است و موفقیت در این مسیر نیز بدون همراهی مردم ممکن نخواهد بود. بحران اگر درست مدیریت شود، می‌تواند به نقطه جهش تبدیل شود، زیرا جامعه آمادگی بیشتری برای پذیرش تغییر ریل‌های اقتصادی پیدا می‌کند و تصمیم‌گیران نیز ناچار می‌شوند از سیاست‌های کهنه و کم‌اثر عبور کنند. اگر جامعه بدانند تغییرات جدید با هدف کاهش وابستگی، افزایش تاب‌آوری و ایجاد فرصت‌های تازه انجام می‌شود، می‌تواند با این تغییر ریل همراه شود.

اخلال گران اقتصادی به دنبال تکمیل پروژ کودتای دی‌مادهستند.

تجربیات مختلف جهانی نشان می‌دهد، آمریکا برای پیشبرد اهداف خود در کشورهای مخالف، چرخه‌ای که در آن فشار خارجی، شکاف‌های داخلی و رقابت‌های سیاسی به شکلی پیچیده به هم گره می‌زند را فعال می‌کند و با کمک جریان‌های وابسته - به شکل آگاهانه و ناآگاهانه - خواسته‌های خود را عملی می‌کند.

در دی‌ماه، هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی، بخشی از جریان‌های سیاسی و اقتصادی داخلی وابسته و متمایل به غرب، تلاش کرد از شرایط دشوار اقتصادی برای گسترش اعتراضات اجتماعی برای پیشبرد طرح‌های سیاسی حزبی خود بهره بگیرد. اعتراضات دی‌ماه که در آغاز ریشه در مشکلات معیشتی داشت، به تدریج به صحنه‌ای برای کنش‌های سازمان‌یافته‌تر تحت مدیریت سرویس‌های خارجی تبدیل شد. در چنین فضایی، برخی نیروهای سیاسی به جای تبیین وضعیت برای مردم، کوشیدند از نارضایتی عمومی برای ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و فراهم کردن زمینه‌های یک تغییر در ساختار قدرت استفاده کنند. اما آنچه این معادله پیچیده را تغییر داد، واکنش جامعه بود. بخش قابل توجهی از مردم با حضور و کنش اجتماعی خود، اجازه ندادند روند بی‌ثبات‌سازی به نقطه‌ای برسد که امکان یک کودتای سیاسی و تغییر نظام فراهم شود. به این ترتیب، پروژه‌ای که بر ترکیب فشار اقتصادی خارجی، طرح براندازی سرویس‌های خارجی و التهاب داخلی و سو استفاده جریان‌های غرب‌گرا تکیه داشت، عملاً ناکام ماند.

با تجاوز مجدد آمریکا به خاک کشور، شرایط وارد مرحله‌ای تازه شد. این تجاوز و حمله مستقیم به مردم و زیرساخت‌ها و شهادت کودکان و خانواده‌ها، باعث شد شکاف‌های داخلی تا حد زیادی به حاشیه رانده شود و همگرایی اجتماعی در برابر تهاجم آمریکا شکل بگیرد، در این فضا جریان غرب‌گرا، عملاً مجال چندانی برای پیشبرد طرح‌های سیاسی خود را پیدا نکرد، چرا که اولویت جامعه و حاکمیت، دفاع از کشور و حفظ ثبات در برابر تهدید خارجی بود.

اما با توقف جنگ و برقراری آتش‌بس، آمریکا با محاصره دریایی و تداوم تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، بار دیگر کشور را در موقعیتی حساس قرار داده است. متأسفانه دوباره نشانه‌هایی دیده می‌شود که برخی از همان بازیگران اقتصادی و سیاسی تلاش دارند الگوی پیشین را دوباره فعال کنند؛ الگویی که بر پیوند زدن نارضایتی اقتصادی با بی‌ثباتی سیاسی استوار است. مسئولین و مردم نباید به این جریان‌ها اجازه پیشروی بیشتر برای برهم زدن نظم اقتصادی و اجتماعی و در نهایت نظم سیاسی را بدهند.

جهاد مالی و پایداری اجتماعی؛ راهبرد عبور از جنگ اقتصادی و تجلی نصرت الهی.



در هنگامه ای که دشمن پس از شکست در میدان های نظامی، معیشت مردم را نشانه گرفته و با دلالتی سوداگران و فشارهای سازمان یافته، قصد تسلیم ملت ایران را دارد، پایداری اجتماعی و «جهاد مالی» به عنوان مکمل جهاد جانی، تکلیفی الهی است. خداوند در معرفی مؤمنان راستین می فرماید: «إِنَّمَا

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزَلُوا جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵). در این نبرد، هرگونه بی تفاوتی و نشستن، خروج از صف مجاهدان است؛ چرا که «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» (نساء: ۹۵).

امروز که معیشت مردم به گروگان گرفته شده، «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ» (توبه: ۴۱) به معنای بسیج اقتصادی عموم برای مقابله با اخلاک گران و مدیریت آگاهانه بازار است. مردم علاوه بر جهاد مالی خود، باید از دولت و قوه قضائیه مطالبه گری کنند تا وظیفه خود را در نظارت قاطع بر بازار انجام دهند و راه را بر سوداگرانی که با ایجاد قیمت های بی اساس در پی ناامیدی جامعه هستند، ببندند. کسانی که به بهانه دشواری شرایط، از مسئولیت اقتصادی شانه خالی می کنند، همچون کسانی هستند که از جهاد مالی کراهت داشتند و می گفتند در گرما راهی جهاد نشوید (گَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ... وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ)؛ در حالی که قرآن پاسخ می دهد: «نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدَّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه: ۸۱).

برنده این معادله، ملتی است که با مردمی سازی اقتصاد و جهاد مالی، بن بست های کاذب را می شکند. پاداش این ایستادگی، فلاح و خیری است که خدا به مجاهدان وعده داده: «لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّائِهِمْ أَلْخَيْرَ وَأَوْلِيَّائِهِمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه: ۸۸). حضور آگاهانه مردم در این عرصه و مطالبه مقابله با مفسدان، مصداق بارز «أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ» (توبه: ۲۰) است که نقشه دشمن را برای فروپاشی از درون، نقش بر آب خواهد کرد.